



توراه اور • پاراشاها برایشیت • مامار 3

ביאור על הנ"ל

شرح مطالب پیش گفته



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی بیتسحاق

LikuteiTorah.com

پاراشای حسیدی



/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/3

1 ביאור על הנ"ל

شرحي بر مطالب پيش گفته

2 כי כאשר השמים החדשים והארץ החדשה אשר אני עושה עומדים לפני כן יעמוד זרעכם ושמכם.

«زیرا همان‌گونه که آسمان‌های جدید و زمین جدیدی که من می‌سازم، در پیشگاه من پدیدارند، نسل شما و نام شما نیز پایدار خواهند ماند.»

הנה נודע תכלית ירידת הנשמה לגוף בעוה"ז שטרם ירידתה היתה כלולה במאצילה ב"ה באהוי"ר
[באהבה ויראה] כו'. כי הנפש יש לה שכל ומדות כו'.

اکنون معلوم است [که] مقصود از نزول روح به بدن در این جهان چیست: پیش از نزولش، در فیض‌بخش خویش، که متبارک است، با عشق و هیبت (אהבה وיראה, ahavah veyirah) و غیره مندرج بود. زیرا روح عقل و صفات عاطفی (مדות, middos) دارد و غیره.

3 וירדה ונתלבשה בגוף ונה"ב [ונפש הבהמית] המעלימי ומסתירי [ומסתירים] כו' ומלבישים אותה בلبושים צואים. הן המדות שמצד הקליפה כו'

و فرود آمد و در جسم و نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) پوشیده شد؛ آن دو آن را پنهان و مستور می‌کنند، و غیره، و با جامه‌های آلوده می‌پوشانندش؛ این‌ها صفات عاطفی (مדות, middos) هستند که از جانب پوسته (کلیפה, kelipah) سرچشمه می‌گیرند، و غیره.

שירידה זו צורך עליי [עלייה] היא. כדי לברר בירורין ע"י המשכת התורה והמצות שבהן מלובש אור א"ס ב"ה.

[و معلوم است] که این فرود برای صعود است؛ تا از راه فرودآوردنِ تورات و فرمان‌ها (מצוות, mitzvos)، پالایش‌ها (بیرورין, birurim) صورت گیرد؛ که نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، در آن‌ها پوشیده است.

4 ובהן ועל ידן יהי [יהיה] גילוי אור א"ס ב"ה ממש על נפשו כו' כמ"ש במ"א.

و در آنها و به‌واسطه آنها، خود نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، بر جان او آشکار خواهد شد و جز اینها؛ چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است.

ולהבין זה שהרי התורה והמצות אשר לפנינו הן ג"כ ברידות והשתלשלות המדרגות מאור פניו ית' עד שנתלבשו בעניני' [בענינים] גשמי' [גשמיים] וחומריים שלכן בקשו המלאכים אשר תנה הודך על השמים כו'. ובמה יהיה יתרון מעלת ממעלת אהוי"ר [אהבה ויראה] של הנשמה.

و این مطلب نیازمند توضیح است؛ زیرا تورا (تורה, Torah) و فرمان‌ها (מצוות, mitzvos) که پیش روی ما هستند نیز [محصول] فرودها و زنجیرهٔ نزول مراتب از نور روی او، که متبارک است، هستند؛ تا آنجا که در امور جسمانی و مادی پوشیده شده‌اند – و از همین رو فرشتگان درخواست کردند: «جلالت را بر آسمان‌ها قرار ده»، و جز اینها. پس برتری آنها بر مرتبهٔ عشق و هیبت جان در چه خواهد بود؟

וגם הרי אמרו כי אורייתא בלא דו"ר [דחילו ורחימו] לא פרכת לעילא שאהוי"ר [שאהבה ויראה] הן הגדפין המעלות ומנשאות את התורה. והרי אדרבה נראה שמעלת אהוי"ר [אהבה ויראה] גדלה מאד ביתר שאת ממעלת התורה:

و افزون بر این، [حکیمان] گفته‌اند که تورا بدون هیبت و عشق به بالا پرواز نمی‌کند، زیرا عشق و هیبت بال‌هایی هستند که تورا را بالا می‌برند و اوج می‌بخشند. پس برعکس، چنین به نظر می‌رسد که مرتبهٔ عشق و هیبت بسیار، و به مراتب، از مرتبهٔ تورا بالاتر است.

5 אך הענין הוא דכתיב כל הנקרא בשמי ולכבודי בראתיו כו'. הנקרא בשמי הוא עולם האצילות שהוא נקרא בשמי ממש.

اما مقصود این است که نوشته شده: «هر آن‌که به نام من خوانده می‌شود، و او را برای جلالم آفریده‌ام»، و الی آخر. «آن‌که به نام من خوانده می‌شود» عالم صدور (אצילות, Atzilus) است؛ زیرا حقیقتاً به نام من خوانده می‌شود.

ששם שורה אור א"ס ב"ה ממש ומתייחדים עמו בתכלית היחוד דאיהו וחיהו חד ואיהו וגרמוהי חד שהכל בטל ונכלל באור א"ס ב"ה ממש.

زیرا در آنجا خود نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، ساکن است و آنان با آن در نهایت یگانگی متحدند؛ زیرا «او و نیروهای حیاتش یکی‌اند، و او و ظرف‌هایش یکی است»؛ چراکه همه در برابر خود نور بی‌پایان، متبارک باد، خود را هیچ می‌یابند و در آن مندرج‌اند.

ועל כולם נקרא שמו שכולם הם בבחי' א"ס. הגם שאין ערוך אליו ית' (וכנודע שאדם דאצילות נקר' [נקרא / נקראת / נקראות] אדם דעשיה בחי' עשי' [עשיה] גשמי' [גשמיים / גשמיות / גשמית]) ואפילו עולם האצילות אינו אלא זיו והארה כו'.

و نام او بر همه آنها نهاده شده است، زیرا همه در مرتبه بی‌نهایت‌اند. [این امر چنین است] با آن‌که هیچ سنجشی [میان آنها و] او، که متبارک است، نیست (و چنان‌که دانسته است، آدم عالم صدور (آدم د'Atzilus, آدم د'אצילות) آدم عالم عمل (עשיה, Asiyah) خوانده می‌شود؛ یعنی مرتبه عمل جسمانی)، و حتی عالم صدور نیز چیزی جز پرتو و تابشی نیست، و الی آخر؛

רק שההארה היורדת ونמשכת שם היא מתאחדת בלי שום פירוד והתחלקות עד שכולם מלאים מן ההארה ההיא. ואין שם תפיסת שום דבר זולת ההארה ההיא.

فقط تابشی که به آنجا فرود می‌آید و در آنجا امتداد می‌یابد، بی‌هیچ جدایی و انقسامی متحد است، تا آنجا که همه از آن تابش پر شده‌اند. و در آنجا هیچ‌چیزی جز آن تابش هیچ جایگاهی ندارد.

כי אצילות מלשון הפרשה כמו ויאצל מן הרוח כו' דגבי משה דתרגומו ואפריש

זیرא «אצילות» از واژه‌ای به معنای جدا ساختن گرفته شده است؛ مانند «و او از روح جدا ساخت» (ویאצל, vayatzel)، و الی آخر، در ماجرای موسی (משה)، که ترجمه (תרגום, Targum) آن را «و جدا کرد» ترجمه می‌کند.

שבودאי לא נתן כל רוחו על הזקנים עד שהגיעו למעלתו ומדרגתו ממש אלא שהפריש מרוחו והוריד למטה שיתלבש במדת הזקנים כדי שיתעלו קצת ויוכלו שאת עמו כאחד והיו לאחדים. עם היות שאינם אחדות אחד במהותם ממש מ"מ יכולים הם להתאחד עמו.

زیرا یقیناً او تمام روح خود را به پیران نداد، به‌گونه‌ای که آنان به همان قامت و مرتبه او برسند؛ بلکه [بخشی] از روح خود را جدا ساخت و به پایین فرود آورد تا در اندازه پیران پوشیده شود، تا آنان تا اندازه‌ای تعالی یابند و بتوانند همچون یک تن بار را با او بر دوش گیرند، و «یکی شوند». با آن‌که در ذات خود حقیقتاً یک وحدت واحد نیستند، بااین‌همه می‌توانند با او متحد شوند.

6 והיינו שהם מיוחדים בזיו ואור הנמשך ממנו.

یعنی آنان در پرتو و نوری که از او جاری می‌شد، متحد بودند.

כך עולם האצילות הוא שהאציל אור א"ס ב"ה והפריש זיו ואור בעולם ההוא שיהי' [שיהיה] יכולת בהם לקבל זיו ואור אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה הזה בבחינת יחוד שיתייחד הכל בבחינת אור א"ס דהיינו בבחי' אור וזיו הנמשך ממנו.

همچنین در عالم صدور (אצילות, Atzilus): نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک است، پرتویی و نوری را در آن عالم افاضه کرد و جدا ساخت، تا آنها توانایی دریافت این پرتو و نورِ اور אין סוף را به‌نحو یگانگی داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که همه‌چیز در مرتبهٔ اور אין סוף متحد شود؛ یعنی در مرتبهٔ نور و پرتویی که از او جاری می‌شود.

7 וענין היחוד הוא בב' בחינות איהו וחיהי איהו וגרמוהי. חיהי הם האורות דהיינו המקורות שמהן נתהוו חכמה וחסד כו'

و یگانگی در دو جنبه (بחינות, bechinos) است: «او و نیروهای حیاتش» (ایهو וחיהי, ihu v'chayohi) [و] «او و ظرف‌هایش» (ایهو וגרמוהי, ihu vegarmohi). «نیروهای حیاتش» همان نورها هستند؛ یعنی سرچشمه‌هایی که حکمت (חכמה, Chochmah) و مهر (חסד, Chesed) و غیره از آن‌ها پدید آمدند؛

وהמקורות הם אורו' [אורות] וחיות. שבאורו' [שבאורות] לא שייך עדיין בחי' התחלקות פרטים להיות נק' בשם חכמה או חסד כו'.

و سرچشمه‌ها نورها و نیروی حیات‌اند. زیرا در نورها هنوز جنبهٔ تقسیم به جزئیات – به‌گونه‌ای که «حکمت» یا «مهر» و غیره نامیده شوند – مصداق ندارد.

8 וכמ"ש במ"א בענין האורות דאחליפו דוכתייהו اور החסד בכלי הגבור' [הגבורה] כו'.

و چنان‌که در جای دیگری دربارهٔ نورهایی توضیح داده شده است که «جای خود را عوض کردند» – نورِ مهر (חסد, Chesed) در ظرفِ قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) و مانند آن.

וגרמוהי הם הכלים המגבילים את האורות שע"י הכלים הם עולים בשם חכמה או חסד כו' ואעפ"כ [ואף על פי כן] שורה בהם اور א"ס בבחינת יחוד ונקרא חכמה דא"ס وחסד דא"ס כו'.

و «ظرف‌های او» (وگرموه‌ی, garmohi) همان ظرف‌هایی‌اند که برای نورها حد می‌گذارند؛ زیرا به‌واسطهٔ ظرف‌هاست که نورها نام حکمت (حכמה, Chochmah) یا مهر و مانند آن می‌گیرند. باین‌همه، نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof) در آن‌ها به‌صورت یگانگی جای دارد، و آن را حکمت بی‌نهایت مطلق (این سוף, Ein Sof) و مهرِ این سוף و مانند آن می‌نامند.

שעם היות שנקרא בשם חכמה מ"מ אינה נגבלת בשם גבול ומדה אלא כמאמר אנת הוא חכים ולא בחכמה ידיעה כו'.

זیرא באנכה אנ רה בה נאח חכמת מי خوانند، באاین حال، בא نامی که حد و اندازه‌ای برایش تعیین کند محدود نمی‌شود؛ بلکه [چنین است که] در این گفتار آمده است: «تو حکیمی، اما نه با حکمتی شناخته شده» و مانند آن.

9 **وهוא המדע והוא הידוע כו' ולכן נק' עולם האצילות הנקרא בשמי ממש. אבל עולם הבריאה וממנו ולמטה נקרא לכבודי בראתיו כו'.**

و «او خود دانش است و خود دانسته شده»، و جز این. از این رو، عالم صدور (اצילות، Atzilus) حقیقتاً «به نام من خوانده می‌شود». اما عالم آفرینش (بریا، Beriah) و عوالم پایین‌تر از آن، «برای شکوه خود آفریدمش» و جز این خوانده می‌شوند.

כבוד הוא התלבשות וכמאמר אליהו לבושין תקינת לון כו'

«شکوه» همان جامه‌پوشانی است؛ چنان‌که در گفتار الیاهو (אליהו) آمده است: «برای آنان جامه‌هایی ساختی»، و جز این.

כמו לבוש שאינו מתאחד עם עצמיות כו' אלא אדרבה שהעצמיות מתכסה ומתעלם בהן לבלתי הגלות נגלות העצמי [העצמיות] כמו שהוא ואין اور העצמות נראה אלא דרך לבוש זה

[این] مانند جامه‌ای است که با ذات یکی نیست و جز این؛ بلکه برعکس، ذات در آن‌ها پوشیده و پنهان می‌شود تا ذات آن‌گونه که هست آشکار نگردد، و نور ذات جز از خلال این جامه دیده نمی‌شود.

ומ"מ לבושין תקינת לון כו' שהוא תקון כדי שיתגלה اور העצמיות דרך לבוש דוקא שבלתי לבוש לא היה עולם הבריאה יכול לקבל כו'.

باین حال، «برای آنان جامه‌هایی ساختی» (תקינת، tikanta)، و جز این؛ که این خود اصلاحی (תקון، tikkun) است، تا نور ذات مشخصاً از خلال جامه‌ای آشکار شود؛ زیرا عالم **بریا** بدون جامه نمی‌توانست آن را دریافت کند، و جز این.

10 **ולפי שבלבוש זה מתגלה اور העצמות לכך כתיב וצבא השמים לך משתחווים שבטלים כו'.**

و از آن‌جا که نور ذات در این پوشش آشکار می‌شود، از این رو نوشته شده است: «و سپاه آسمان در برابر تو سجد می‌کنند»؛ زیرا آنان به حال خودنهی‌گری (ביטול، bittul) هستند، و مانند آن.

ומחמת שאינו מתגלה אלא בבחי' לבוש לכך הם בבחי' פירוד ומשם יפרד טורי דפרודא כו' שאינם מתאחדים כבאצילות:

و چون نور تنها به صورت پوششی آشکار می شود، آنان در حالت جدایی اند، و «از آن جا جدا می شود» - کوه های جدایی، و مانند آن -؛ زیرا همچون عالم صدور (אצילות, Atzilus) با یکدیگر یگانه نیستند.

11 והנה נודע עבודת המלאכים שעומדים מששת ימי בראשית ברום עולם ומשמיעים בראה כו' אריה שאג הוא מיכאל פני אריה אל הימין וכד איהו שאיג שאגין לגבי' ש"ע [ש"ע (370)] אלפין אריות כו' שהן מחנה מיכאל כו'.

اکنون، خدمت فرشتگان شناخته شده است: آنان از شش روز آفرینش در بلندی های جهان ایستاده اند و با هیبت ندا می دهند، و الی آخر. «شیری غریبه است»؛ این همان میکائیل (میכאל) است، «چهره شیر در سمت راست»؛ و چون او می غرد، سیصد و هفتاد هزار شیر به سوی او می غرند، و الی آخر؛ و آنان لشکر میکائیل اند، و الی آخر.

12 וצריך להבין מהו עבודתם ואיך נחשבת עבודה להם מה שבטלים בהשגתם חיותם וקיומם מאין ליש מאחר שכך היא השגתם ולמה שואגים ומרעישים. איזה חידוש נתחדש להם בהשגתם זו ומה הם משתוקקים ونכספים.

باید بفهمیم خدمت آنان چیست، و چگونه این امر برایشان خدمت به شمار می آید که با ادراک اینکه حیات و وجودشان از אין (ayin، نیستی) به יש (yesh، هستی) است، به خودنفی گری (ביטול, bittul) می رسند؛ حال آنکه این صرفاً ادراک آنان است. پس چرا بانگ برمی آورند و غوغا می کنند؟ در این ادراکشان چه امر تازه ای برایشان پدیدار شده است، و مشتاق و آرزومند چه چیزی اند؟

אך הענין הוא כי הנה עולם האצילות הוא עולם התקון שנתקן כבר להיות האורות והכלים בבחי' איהו וגרמוהי חד כו' כנ"ל. משא"כ עולמו' [עולמות] ב"ע הם משבה"כ [משבירת הכלים] שבעולם התהו שנפל בבי"ע.

اما مطلب چنین است: عالم صدور (אצילות, Atzilus)، عالم اصلاح (התקון, Tikkun) است که پیشتر اصلاح شده، به گونه ای که نورها و ظرفها (אורות וכלים, Oros v'Keilim) در حالت «او و ظرف هایش» (איהו וגרמוהי, ihu vegarmohi) یکی هستند» قرار دارند، و جز این، چنان که پیشتر گفته شد. اما عوالم آفرینش (ברیאה, Beriah)، صورت بخشی (יצירה, Yetzirah) و عمل (עשיה, Asiyah) چنین نیستند؛ آنها از شکستن ظرف های عالم آشوب (תהו, Tohu) پدید آمده اند؛ ظرف هایی که به عوالم آفرینش، صورت بخشی و عمل فرو افتادند.

13 ולכן צ"ל עבודה תמה להמשיך בהם בחי' תקון מעולם האצילות כדי שגם הם יתעלו ויתאחדו.

بنابراین، خدمتی کامل لازم است تا جنبه‌ای از اصلاح (تقون، tikkun) را از عالم صدور (אצילות، Atzilus) به درون آن‌ها فرود آورد، تا آن‌ها نیز ارتقا یابند و متحد شوند.

ולא די באור וחיות הנמשך דרך מסך והתלבשות כסדר ירידת והשתלשלו' [והשתלשלות] המדר' כמו שהוטבע בטבע יצירת העולם להיות מדרגה אחר מדרגה אבי"ע [אצילות בריאה יצירה עשיה] שעולם הבריאה הוא בבחי' פירוד טורי דפרודא כו'. אלא צריך להמשיך אור חדש מלמעלה עד שיוכלל עולם הבריאה בבחינת עולם האצילות ממש.

و [داشتن] نور و نیروی حیاتی که از مجرای حجاب و در پوشش فرود می‌آید، بر وفق ترتیب نزول و زنجیره‌وار فرودآمدن مراتب، کافی نیست؛ همان‌گونه که این ترتیب در سرشت آفرینش جهان نهاده شده است تا مراتب یکی پس از دیگری باشند: عالم اצילות، عالم آفرینش (בריאה، Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה، Yetzirah) و عالم عمل (עשיה، Asiyah)؛ به‌گونه‌ای که عالم بריאה در مرتبه جدایی قرار دارد، «کوه‌های جدایی» و غیره. بلکه باید نوری تازه از بالا فرود آورد، تا آن‌جا که عالم بריאה در مرتبه عالم اצילות خود آن داخل شود.

כי עולמות ביי"ע הם אשר ברא ה' לעשות ולתקן מה שלא נתקן כך בסדר השתלשלות בשעת בריאת עולם

زیرا عوالم بריאה، یצירה و عשיה همان [چیزهایی] هستند «که ه' آفرید تا به انجام رساند»؛ یعنی اصلاح آنچه در این مسیر، در ترتیب نزول عوالم، هنگام آفرینش جهان اصلاح نشده بود.

וגם עולם העשי' [העשיה] שהוא התחתון מכולם מלך בעל חנן בן עכבור הנה אח"ז [אחר זה] וימלך תחתיו הדר כו' שהוא עולם התקון.

و نیز دربارهٔ عالم عمل، که از همهٔ عوالم فروتر است، آمده است: «بعل حنان پسر عَجَبور (בעל حنן بن עכבור) فرمانروایی کرد»؛ و پس از آن، «هادر (הדר) به جای او فرمانروایی کرد» و غیره؛ که این همان عالم תקון است.

וזהו דרך כלל כל העבודה בעולמות ביי"ע להיות שהם מבחי' שבה"כ [שבירת הכלים] שנפלו מעולם התהו בבי"ע וצריכים תקון להתעלות ולהתכלל באצילות. והתקון הוא על ידי עבודה:

و این، به‌طور کلی، تمام خدمت در عوالم بריאה، یצירה و عשיה است: از آن‌جا که آن‌ها از شکستن ظرف‌ها هستند، ظرف‌هایی که از عالم تها به عوالم بריאה، یצירה و عשיה فرو افتادند، باید اصلاح شوند تا ارتقا یابند و در عالم اצילות داخل شوند. و این اصلاح از راه خدمت انجام می‌شود.

14 והנה בעוה"ז הגשמי שהוא מגושם כמו עפר מן האדמה ואעפ"כ [ואף על פי כן] **מפני שיש בו חיות רוחני מעפר העליון שבעולם התהו שלפני אצ"י יש בו יכולת להתתקן.**

اکنون، این جهان مادی به اندازۀ خاک و غبار زمین زمخت است؛ با این حال، چون نیروی حیات روحانی (حיות، chayus) آن از خاک برین عالم تَهو (عולם התהו، Tohu)—که پیش از عالم صدور (אצילות، Atzilus) است—می آید، توانایی اصلاح شدن دارد.

وهנה ענין התקון היינו בירור הרע מן הטוב להסיר הסיגי' והפסולת כדי שיוכל הטוב לעלות.

و معنای اصلاح، پالایش بدی از خوبی است—برداشتن ناخالصی ها و پسماندها—تا خوبی بتواند صعود کند.

15 והנה בבריאה רובו טוב כו' עד בעשי' [בעשיה] רובו רע ומעורב כו'. וצריך עבודה תמה גם לבחי' זו להפריד הרע

اکنون، در عالم آفرینش (בריאה، Beriah)، بخش غالب نیکوست و الی آخر، تا در عالم عمل (عשיה، Asiyah)، بخش غالب بد و آمیخته است و الی آخر. برای این مرتبه نیز خدمت کامل لازم است تا بدی را جدا سازد.

ובירור זה נעשה ע"י סדר התפלה שעד"ז נתקן כל סדר התפלה והיינו ע"י בחי' רצוא אם ישیم אליו לבו כו'.

و این پالایش از راه ترتیب نماز انجام می گیرد، زیرا سراسر ترتیب نماز بر همین مبنا برقرار شده است؛ یعنی از راه جنبۀ شتافتن به پیش (רצוא، ratzo)، [چنان که در این آیه آمده است:] «اگر دلش را به سوی او متوجه سازد»، و غیره.

16 ורצוא זה היינו מ"ש כי בכה ארוץ כו' אדלג שור. שור פי' חומה דהיינו בחי' מקיפים ואדלג שור ר"ל [רוצה לומר] **שאדלג למעלה מבחי' כל המקיפים מחמת בחי' רצוא לדבקה בו בא"ס ב"ה ממש**

و این اشتیاق رو به بالا (רצוא، ratzo) همان است که نوشته شده است: «به یاری تو [از میان] سپاهی می دوم» و الی آخر؛ «از دیواری می جهم (شور، shur)». شور به معنای دیوار است؛ یعنی مرتبۀ [نورهای] فراگیر (مקיפים، makifim)؛ و «از دیوار می جهم» یعنی به واسطۀ این اشتیاق رو به بالا، از مرتبۀ همه [نورهای] فراگیر فراتر می جهم تا به او بپیوندم—به خود بی نهایت مطلق (این سوف، Ein Sof)، که متبارک است.

שהוא למע' [למעלה] מגדר עלמין ואינו לא בבחי' ממלא ולא בבחי' סובב כו' וכל עולם האצי' עולם הברודים נקרא אדם דעשיה בלבד ואדם דיצירה עולם הנקודים כו'.

که فراتر از محدودهٔ عوالم است و نه در مرتبهٔ نوری که همهٔ عوالم را پر می‌کند (مמלא כל עלמין, memalei kol almin) است و نه در مرتبهٔ نوری که همهٔ عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin)، و جز این. و تمام عالم صدور (אצילות, Atzilus)، جهان بُرودیم (عולם הברודים, Berudim) [جهان خال خال]، تنها «آدم عالم عمل» (آدم دעשיה, Adam of Asiyah) نامیده می‌شود؛ و «آدم عالم صورت‌بخشی» (آدم دیצירה, Adam of Yetzirah)، جهان نکودیم (عולם הנקודים, Nekudim) [جهان نقطه‌ها] است و الی آخر.

17 **ومرצוא זה יתפרדו כל פועלי און כמ"ש רוממות אל בגروנם وחרב פיפיות בידם לעשות נקמה בגוים כו'.**

و از همین حرکتِ اشتیاق‌آمیز به‌سوی بالا (مرצוא, ratzo)، «همهٔ بدکاران پراکنده خواهند شد (یتפרדو, yisparedu)»؛ چنان‌که نوشته شده است: «ستایش عظمتِ ه' در گُلوی آنان است و شمشیری دولبه در دستشان، تا از ملت‌ها انتقام بگیرند»، و غیره.

ועד"ז הוא כל סדר תפלה שהיא בכללה רוממות אל כו' ולכן בה ועל ידה נעשה הבירור והפירוד הטוב מהרע וזו היא עבודת התפל' ברצוא שהיא بیرور המ"ן [המ"ן נוקבין].

و کلّ نظم دعا نیز بر همین منوال است، زیرا در مجموع، «ستایش عظمتِ ه'» است و غیره؛ ازاین‌رو، در دعا و به‌واسطهٔ آن، پالایش و جداییِ خوبی از بدی صورت می‌گیرد. این همان خدمتِ دعا در حالتِ رצוא است؛ پالایش آب‌های مؤنت (م"ן نוקבין, mayin nukvin).

אבל בירור המ"ד [המ"ן דוכרין] שהיא ההמשכ' [ההמשכה / ההמשכת] עליונה שמעולם האצי' להיות ביטול והתכללות כבאצי' ממש בחי' יחוד עליון אשר שם איהו וחיוהי חד איהו וגרמוהי חד חד ממש.

اما پالایش آب‌های مذکر (م"ן دکورین, mayin dechurin) – که جریانِ فیضِ برین از عالمِ صدور (אצילות, Atzilus) است، تا خودنفی‌گری (بیטול, bittul) و دربرگنجیدنِ پدید آید، همانند خودِ عالمِ صدور؛ این مرتبهٔ یگانگی برتر است که در آن «او و نیروهایِ حیاتش یکی اند، او و ظرف‌هایش (ایهو וגرموهی, ihu vegarmohi) یکی اند»؛ یکی، به‌راستی –

זה נעשה ע"י תורה ומצות שהן הן המשכות מבחי' יחוד עליון דאורייתא וקוב"ה [וקודשא בריך הוא] כולא חד.

این امر از طریقِ تورا (تורה, Torah) و فرمان‌هایِ توراتی (מצות, mitzvos) تحقق می‌یابد؛ زیرا اینها خود جریان‌هایی از مرتبهٔ یگانگی برترند، چراکه «تورا و قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) یکسره یکی اند».

18 ורמ"ח פקודים הם רמ"ח אברין דמלכא אברין ממש שהן כלים לאור וחיות הנמשך ומלובש ומתפשט

בהם מאא"ס [מאור אין סוף] ב"ה ממש

ו 248 פרמאן, 248 «אנדאם פאדשאה» هستند—اندام‌هایی واقعی که ظرف‌هایی برای نور و نیروی حیات (chayus, חיות) هستند؛ نیرویی که از خود نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که او متبارک است، به درون آنها کشیده می‌شود، در آنها پوشیده می‌شود و در آنها گسترش می‌یابد؛

אלא שירדו ונתלבשו בעניינים גשמיים בשביל גשמיות העוה"ז וחומריותו כדי להעלותם ושתכלל גם

חיות גשמי' [גשמיות] העוה"ז באור וחיות העליון ולכך הוצרך חיות העליון לירד ולהתגשם כ"כ [כל כך].

جز آن‌که آن‌ها فرود آمدند و در امور جسمانی پوشیده شدند، به‌خاطر جنبهٔ جسمانی و مادیتِ این جهان، تا آن‌ها را بالا برند و نیروی حیاتِ جسمانیِ این جهان نیز در نور و نیروی حیاتِ برین گنجانده شود. از این‌رو، نیروی حیاتِ برین ناگزیر بود فرود آید و تا این اندازه جسمانی شود.

19 ובזה יובן יתרון ומעלת עסק התורה וקיום המצות בעוה"ז יותר מדו"ר [מדחילו ורחימו] של הנשמה טרם

ירידתה

و بدین‌سان، برتری و فضیلتِ اشتغال به تورات (תורה, Torah) و به‌جا آوردنِ فرمان‌ها (מצוות, mitzvos) در این جهان، بر عشق و هیبت (אהבה وיראה, ahavah veyirah) روح پیش از نزولش، روشن می‌شود.

כי הנשמה עם היות שהדו"ר [שהדחילו ורחימו] שלה גבוהים ונעלים מאד ביתר שאת אפי' [אפילו] מן

המלאכים שבעולם ההוא בכל עולם ועולם לפי מה שהוא כנודע שהמלאכים הם מחיצוניות העולמות והנשמות הן מבחי' פנימיות.

زیرا روح، با آن‌که عشق و هیبتِ آن بسیار والا و بلندمرتبه است، و به‌مراتب فراتر از عشق و هیبتِ فرشتگانِ آن جهان است—در هر عالمی، متناسب با مرتبهٔ همان عالم—چنان‌که معروف است فرشتگان از بُعدِ بیرونی (חיצוניות, chitzoniyus) عوالم‌اند و ارواح از مرتبهٔ بُعدِ درونی (פנימיות, pnimiyus) عوالم‌اند—

עכ"ז [עם כל זה] **מאחר שהנשמה היא בחי' נברא ומחודש יש מאין אינה מיוחדת במאצילה ב"ה כיוחד תורה ומצות דאורייתא וקוב"ה** [וקודשא בריך הוא] **כולא חד ממש ורמ"ח מצות הן רמ"ח אברין דמלכא ממש שהן הן חכמתו ורצונו ממש והוא המדע כו'.**

בاین‌همه، چون روح موجودی آفریده و نوپدید، هستی‌ای از نیستی است، با مبدأ صدورش، که متبارک باد، آن‌گونه یگانه نیست که تורה و מצות یگانه‌اند؛ زیرا «تورات و קוב"ה (קוב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) همه یکی‌اند» —حقیقتاً یکی— ۲۴۸ میتصוות حقیقتاً ۲۴۸ اندام پادشاه‌اند؛ زیرا آن‌ها همان حکمت و اراده او هستند، و «او خود دانش است» و الی آخر.

20 ומ"מ אורייתא בלא דו"ר [דחילו ורחימו] **לא פרחא לעילא כי מאחר שירדה ונתלבשה בעניינים גשמיים הרי היא מקושרת למטה והרי היא בבחי' ירידה מאור פניו ית'.**

باین‌همه، تورات بدون عشق و هیبت (אהבה وיראה, ahavah veyirah) به بالا پرواز نمی‌کند؛ زیرا چون فرود آمده و در امور جسمانی پوشیده شده است، به پایین وابسته است و در مرتبه نزول از نور روی او، که متبارک است، قرار دارد.

אבל ע"י דו"ר [דחילו ורחימו] **הנה הוא ממשיך אור א"ס ב"ה המלוכש בתורה בבחי' יחוד גמור להיות אורייתא וקוב"ה** [וקודשא בריך הוא] **כולא חד וכנודע מ"ש במ"א בענין עסק התורה לשמה דע"ז אמרו מעלה אני עליהם כאלו עשאוני.**

اما به واسطه عشق و هیبت، نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) که در تورات پوشیده است، در مرتبه یگانگی کامل فرود آورده می‌شود، تا «تورات و قدوس متبارک (קוב"ה, Kudsha Brich Hu)، همه یکی‌اند». و [این] چنان‌که از آنچه در جای دیگر درباره پرداختن به تورات برای خود آن توضیح داده شده، دانسته است؛ درباره آن [حکیمان] گفتند: «آن را چنان برای آنان به حساب می‌آورم که گویی مرا ساخته‌اند».

עשאוני ממש שע"י עסק התורה נמשך הוי"ו של שם הוי"ה ב"ה שהוא ת"ת [תפארת] **וע"י המצות וכללותן היא מצות הצדקה נמשך ה"א של שם הוי"ה כנודע**

«مرا ساختند» به‌معنای حقیقی؛ زیرا به‌واسطه پرداختن به تورات، حرف واو (וי"ו, vav)، که زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes) است، از نام הוי' فرود آورده می‌شود؛ و به‌واسطه فرمان‌ها (מצוות, mitzvos) — که کلیت آن‌ها در فرمان صدقه خلاصه می‌شود — حرف هی (ה"א, hei) از نام הוי' فرود آورده می‌شود، چنان‌که دانسته است.

ודרך כלל ע"י תורה ועבודת וגמ"ח [וגמילות חסדים] נמשכו ג' קווין חז"ן [חכמה חסד נצח] בימין כו' והן ג' ווי"ן מויסע ויבא ויט כו' שהווי"ן הם המשכות מהיודי"ן שבראש הווי"ן כו':

و به طور کلی، به واسطهٔ تورات، خدمت و اعمال نیکوکاری، سه خط - حکمت (Chochmah)، مهر (Chesed)، و پیروزی (Netzach، נצח) در سمت راست، و غیره - فرود آورده می‌شوند؛ و این‌ها سه واو «و به راه افتاد» (ויסע، Vayisa)، «و آمد» (ויבא، Vayavo)، «و دراز کرد» (ויט، Vayet)، و غیره‌اند؛ زیرا واوها امتدادهایی فرودآینده از یودها (יודי"ן، yudin) در سر واوها هستند، و غیره.

21 והנה בבחי' זו ארץ קדמה לשמים. ארץ הוא בחי' רצוא שבתפלה דהיינו בירור המ"ן [המיין נוקבין] תחלה

ואח"כ שמים היינו השפעת המ"ד [המיין דוכרין] ע"י תו"מ [תורה ומצות]

اکنون، از این حیث، زمین بر آسمان‌ها تقدم داشت. «زمین» جنبهٔ حرکت اشتیاق‌آمیز و صعودی در نماز است؛ یعنی نخست پالایش آب‌های مؤنث (מ"ן، mayin nukvin)، و سپس «آسمان‌ها»، یعنی افاضهٔ آب‌های مذکر (מ"ד، mayin dechurin) از طریق تورات و فرمان‌ها (מצוות، mitzvos).

כי השמים הם בחי' משפיעים כמ"ש המכסה שמים בעבים המכין לארץ מטר כו' למטר השמים כו'

زیرا آسمان‌ها جنبهٔ افاضه‌کنندگان‌اند، چنان‌که نوشته شده است: «آن‌که آسمان‌ها را با ابرها می‌پوشاند، آن‌که برای زمین باران آماده می‌کند» و غیره، [و] «از باران آسمان» و غیره،

להיות המ"ד [המיין دוכרין] مبرر את המ"ן [המיין نוקבין] להעלות עד שיוכלל גם בחי' העשיה בבחי' אצי'

דאיהו וחיהי חד כו'.

تا آب‌های مذکر آب‌های مؤنث را پالایش کنند و [آنها را] بالا ببرند، تا حتی مرتبهٔ عالم عمل (עשיה، Asiyah) نیز در مرتبهٔ عالم صدور (אצילות، Atzilus) گنجانده شود؛ جایی که «او و نیروهای حیاتی‌اش یکی هستند» و غیره.

22 וצ"ל קדימת בירור המ"ן [המיין نוקבין] תחלה כדי שאח"כ יבא בירור המ"ד [המיין دוכרין] לברר את המ"ן

[המיין نوكبين] משא"כ בלי העלאת מ"ן [מיין نوكبين] אין כח במ"ד [במיין دוכرין] לברר כו'.

و پالایش آب‌های مؤنث (מ"ן، mayin nukvin) باید نخست انجام گیرد، تا پس از آن پالایش آب‌های مذکر (מ"ד، mayin dechurin) بیاید و آب‌های مؤنث را پالایش کند؛ حال آن‌که بدون برآوردن م"ן، م"ד نیرویی برای پالایش ندارد، و الی آخر.

וזו היא עבודתינו כל ימי משך הגלות שהרע גובר וצ"ל בירור הרע ולהפרידו מן הטוב.

و این است خدمت ما در سراسر روزهای دوران تبعید، هنگامی که شر چیره است و باید شر پالوده شود و از خیر جدا گردد.

אבל לע"ל [לעתיד לבוא] **בביאת משיח ב"ב** [במהרה בימינו] **כשיושלם ויוגמר כל הבירור ויקויים בלע המות לנצח ואת רוח הטומאה אעביר כו' שאז יהי' [יהיה] הכל בבחי' עולם התקון כבאצי' ממש שיהי' [שיהיה] יחוד והתכללות למטה כמו למעלה.**

اما در آینده، با آمدن **مשיח** (Moshiach)، به زودی در روزگار ما، هنگامی که همه پالایش به انجام رسیده و کامل شود و این سخنان تحقق یابد که «مرگ را برای همیشه فروخواهد بلعید» و «روح ناپاکی را برخواهم داشت»، و الی آخر—زیرا آنگاه همه چیز در مرتبه عالم تیکون (**عולם התקון**, Tikkun) خواهد بود، همانند خودِ عالم صدور (**אצילות**, Atzilus)، به گونه ای که در پایین نیز، همچون بالا، یگانگی و درهم گنجی برقرار باشد—

הנה התכלית הוא שיאיר ויתנוצץ גילוי אור עולם העקודים שלמעלה מעולם האצי' כמ"ש הנה ישכיל עבדי ירום ונשא וגבה מאד.

اینک، غایت نهایی آن است که آشکار شدن نورِ عالمِ عکودیم (**عולם העקודים**, Akudim) [«بسته شده»]، که فراتر از عالم صدور است، بتابد و پرتو افکند؛ چنان که نوشته شده است: «هان، بنده من حکیم خواهد شد؛ او سربلند و برافراشته و بسیار بلند خواهد بود.»

23 **וזהו פנימי' [פנימיות / فنیמیت] עתיק שיתגלה ואז יהי' [יהיה] התנוצצות נשמות חדשות שאין בהם בחי' בירור.**

و این همان بُعدِ درونی **עתיק** (**פנימיות**, pnimiyus) است که آشکار خواهد شد؛ آن گاه جان های تازه ای به درخشیدن و پدیدار شدن درمی آیند که هیچ جنبه ای از پالایش در آنها نیست.

דהנה כל הנשמות אשר מעולם הן שנכללו באדה"ר [באדם הראשון] שצריכים בירור ותקון והן הן שירדו מחיצוני' [מחיצוניות] עתיק שנשתלשלו כסדר המדרגות

زیرا همه جان هایی که تاکنون بوده اند، همان هایی هستند که در آدم نخستین (**آدم הראשון**) گنجانده شده اند و به پالایش و اصلاح نیاز دارند؛ همین جان ها از بُعدِ بیرونی **عתיק** (**حיצونیوت**, chitzoniyus) فرود آمده اند و مطابق ترتیبِ مراتب نزول کرده اند.

ומה שהוא מסודר כבר בסדר ההשתלשלות אין זה חידוש אבל חידוש נשמות הוא מלמעלה מן ההשתלשלות מה שלא ירד ונשתלשל עדיין והוא מפנימי [מפנימיות / מפנימית] עתיק שלא בא לידי גילוי בסדר השתלי [השתלשלות]

آنچه از پیش در ترتیب زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) سامان یافته است، چیز تازه‌ای نیست؛ اما تازگی جان‌ها از بالای زنجیره نزول می‌آید—از آنچه هنوز فرود نیامده و در زنجیره نزول نکرده است؛ و این از بُعدِ درونی عתיק است که در ترتیب زنجیره نزول به ظهور نرسیده است.

כי סדר ההשתלשלות הוא שמחיצוניות שבעליון נעשה פנימי [פנימיות / פנימית] למטה. אבל פנימי [פנימיות / פנימית] עליון אינו יורד ומשתלשל כלל.

زیرا ترتیب השתלשלות چنین است که از بُعد بیرونی [مرتبة] بالاتر، بُعد درونی [مرتبة] پایین‌تر پدید می‌آید؛ اما بُعد درونی مرتبة بالاتر اصلاً فرود نمی‌آید و در زنجیره نزول قرار نمی‌گیرد.

24 ולע"ל [ולעתיד לבוא] יהי' [יהיה] גילוי אור חדש הזה שלמעלה מסדר ההשתלשלות. והוא עולם העקודים שלפני האצי'.

و در زمان آینده، این نور تازه که فراتر از نظم زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) است، آشکار خواهد شد؛ و این همان عالم آکودیم (عולם העקודים, Akudim) [عالم نورهای به هم بسته] است که پیش از عالم صدور (אצילות, Atzilus) قرار دارد.

כי באצי' שהוא עולם התיקון נתקן ונסדר כמו שראוי להיות השתלשלות בהתחלקות המדרגות חכמה וחסד כו' כמאמר אנת הוא חכים אלא ולא בחכמה ידיעא שנמשך אור א"ס בחכמה.

زیرا در اצילות، که عالم اصلاح (תיקון, Tikun) است، [همه چیز] اصلاح و چنان سامان داده شد که شایسته زنجیره نزولِ عوالم باشد؛ با تقسیم به مراتب، حکمت (חכמה, Chochmah) و مهر (חסד, Chesed) و جز اینها. چنان که گفته می‌شود: «تو حکیمی»، اما «نه با حکمتی شناخته شده» – [یعنی] نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) به حکمت امتداد می‌یابد.

25 וזהו אנת הוא אור א"ס ב"ה שנתלבש בבחי' חכים כו'. וכן בכל הבחי' אנת הוא מבין כו' צדיק ה' בכל דרכיו וחסיד כו'.

و این [معنای] «تو هستی» است: نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک است، در مرتبة «حکیم» پوشیده شده است، و غیره. و همین‌طور در همه مراتب: «تو فهمنده هستی»، و غیره؛ «ה'» در همه راه‌هایش دادگر است و نیکوکار، و غیره.

והן מקורות לחכמה וחסד דבריהא שהן חכמה ידיעא וחסד ידיעא כו'

و اینها سرچشمه‌هایی برای حکمت (חכמה, Chochmah) و مهر (חסד, Chesed) عالم آفرینش (בריהא, Beriah) هستند؛ که حکمتی معین و مهری معین‌اند، و غیره.

אבל עולם העקודים הוא התכללות כל הכחות וכל הבחי' ועקוד בכלי א' כו' בלי התחלקות שם חכמה וחסד כלל

اما عالم عكوديم (عكوديم, Akudim) دربرگیرنده همه نیروها و همه مراتب است که در یک ظرف، به هم بسته (عقود, akud) هستند، و غیره؛ بی آنکه هیچ تقسیم‌بندی‌ای به نام‌های حکمت و مهر در کار باشد.

וגילוי זה נקרא שמים חדשים וארץ חדשה אשר אני עושה. אני דייקא הוא המאציל עליון ברוך הוא. שלהיות כח ההתחדשות זה הוא מא"ס ב"ה עצמו כנודע

و این آشکارگی «آسمان‌های نو و زمین نو که من می‌سازم» نامیده می‌شود. «من» به خصوص؛ این همان مُفِيضِ اعلیٰ متبارک است. زیرا این توانِ نوآفرینی، چنان‌که معروف است، از خود بی‌نهایتِ مطلق (אין סוף, Ein Sof)، که متبارک است، سرچشمه می‌گیرد.

ואעפ"כ [ואף על פי כן] נקרא בשם שמים וארץ. כי מאחר שהוא בבחי' איזה גילוי להיות אפי' [אפילו] מקור דמקור לסדר השתלשלות מוכרח להיות שם איזה בחי' שהיא דוגמת ההשתלשלות.

با این حال، آن را «آسمان و زمین» می‌نامند؛ زیرا چون در مرتبه‌ای از آشکارگی است، به گونه‌ای که حتی سرچشمه سرچشمه نظام زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) باشد، ناگزیر باید جنبه‌ای در آن وجود داشته باشد که به زنجیره نزول شباهت داشته باشد.

26 ומאחר שבהשתלשלות נעשה שמים וארץ מוכרח להיות גם שם בחינות הללו אלא דשם נקי שמים וארץ שמים תחלה

و از آنجا که در زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) آسمان و زمین پدید آمده‌اند، این جنبه‌ها نیز ناگزیر باید در آنجا وجود داشته باشند. تنها، آنجا «آسمان و زمین» نامیده می‌شوند – نخست آسمان.

דהיינו מטי ולא מטי. מטי שרוצה להשפיע ולא מטי שאין הכלי יכול לסבול (משא"כ ממטה למעלה רצוא תחלה מים תחתונים בוכין כו')

یعنی، «می‌رسد و نمی‌رسد»: «می‌رسد»، زیرا می‌خواهد افاضه کند؛ و «نمی‌رسد»، زیرا ظرفِ تابِ [آن] را ندارد (درحالی‌که از پایین به بالا، نخست رצוא (ratzo, اشتیاق صعود) می‌آید: «آب‌های فرودین می‌گیرند» و غیره).

ולכן נקרא שמים וארץ הללו עומדים לפני פי' עומדים שעומדים תמיד. שהרי גם היום יש בחי' זו דעולם העקודים אלא שהיא בעולם. ולע"ל [ולעתיד לבוא] יתגלה. והם לפני. פי' בבחי' פנימיות דהיינו פנימית עתיק כנ"ל:

ازاینرو، این آسمان و زمین «پیش من ایستاده‌اند» نامیده می‌شوند: «ایستاده‌اند» یعنی همواره پابرجا هستند. زیرا حتی امروز نیز این مرتبه از عالم عקودים وجود دارد، اما نهان است؛ و در زمان آینده آشکار خواهد شد. و «پیش من» (لפני, lefanai) یعنی به‌نحو بُعد درونی (پنیمיות, pnimiyus)، یعنی بُعد درونی عתיק (Atik)، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

27 **ובישר הנביא זה לומר שכן יעמוד זרעכם ושמכם. זרעכם הוא בחי' זריעת המ"ד [המ"ד דוכרין] ע"י התורה שהתורה שנתלבשה בעניינים גשמיים היא כמו זריעת הגרעין בעפר שעם היות שגוף הגרעין נרקב מ"מ הכח שבו מצמיח**

و پیامبر این را اعلام کرد و گفت: «بذر شما و نام شما نیز پایدار خواهد ماند.» «بذر شما» جنبه (بחינה, bechinah) کاشت م"د (mayin dechurin) [آب‌های مذکر] از طریق تورات است؛ زیرا تورات، که در امور مادی جامه پوشیده، مانند کاشتن دانه در خاک است: هرچند پیکر دانه می‌پوسد، با این‌همه نیروی درون آن [گیاه را] می‌رویاند؛

ولכן אינו צומח אלא דוגמת הגרעין ומזרע דגן אינו צומח אתרוג כו' וכמ"ש למינהו כו'.

و ازاینرو، جز آنچه از جنس همان دانه باشد نمی‌روید؛ از دانه غله، אתרוג (esrog) [ترنج] نمی‌روید، و مانند آن؛ چنان‌که نوشته شده است: «هر یک به نوع خود»، و مانند آن.

כך התורה אע"פ [אף על פי] שנתלבשה בעניינים גשמיים (ויש מאן דאמר מצות בטילות לע"ל [לעתיד לבוא]) מכל מקום אור התורה הוא המצמיח ופועל ישועות בקרב הארץ לברא את המ"ן [המ"ן נוקבין] ולהעלותו למעלה מעלה.

تورات نیز چنین است: هرچند در امور مادی جامه پوشیده است – و نظری هست که מצות (mitzvos) [فرمان‌ها] در زمان آینده لغو خواهند شد – با این‌همه، نور تورات است که [امور را] می‌رویاند و «در دل زمین نجات‌ها را پدید می‌آورد»، تا م"ן (mayin nukvin) [آب‌های مؤنث] را پالایش کند و آن‌ها را پیوسته به مراتب بالاتر برساند.

ושמכם הוא בחי' קבלת עול מ"ש שמקבלים במצותיו ית' ונק' בחי' שם שנקרא שמו יתברך על ישראל בקבלת מלכותו עליהם וזהו ומלכותו ברצון קבלו עליהם

و «نام شما» جنبه پذیرش یوغ فرمانروایی آسمان است که آن را در **מצות** او، که مبارک باد، می پذیرند. این را جنبه «نام» می نامند، زیرا با پذیرفتن فرمانروایی او بر خود، نام مبارکش بر اسرائیل نهاده می شود؛ و این همان معنای «و فرمانروایی اش را با رغبت بر خود پذیرفتند» است.

משא"כ על העכו"ם [העובדי כוכבים ומזלות] הוא מושל ולא מלך כי אין נקרא מלך אלא ברצון וזהו ענין כתר מלכות שעיקר המלכו' [המלכות] הוא הכתר שמכתירין אותו וכתר היינו בחי' רצון

اما بر امتها او فرمانرواست، نه پادشاه؛ زیرا کسی تنها آن گاه پادشاه خوانده می شود که [با میل پذیرفته شود]. و این معنای «تاج فرمانروایی» است: حقیقت فرمانروایی همان تاجی است که او را با آن تاج گذاری می کنند، و تاج (כתר, Keser) جنبه اراده (רצון, ratzon) است؛

וזהו נעוץ תחלתן בסופן שהמשכ' [שהמשכת / שהמשכה] המל' הוא מן הכתר שהוא הרצון כו'. ולכך נק' בבחי' שמכם.

و این همان معنای «آغازشان در پایانشان فرو نشانده شده است» است: جریان یافتن فرمانروایی (מלכות, Malchus) از کתר است، که همان **רצון** است، و مانند آن. از این رو، آن را جنبه «نام شما» می نامند.

28 והנה זרעכם ושמכם שהן הן המשכות תורה ומצות שבעוה"ז הן המשכת המ"ד [המיין דוכרין] מעולם

האצי' שהוא עולם התקון כדי לברר המ"ן [המיין נוקבין] שעולה מהעשי' [מהעשית] שיוכלל באצי' כנ"ל.

اکنون، «نسلی شما» و «نام شما» که همان امتدادهای تورا و فرمانها (מצות, mitzvos) در این جهان اند، امتداد آب های مذکر (מים ذکورین, mayin dechurin) از عالم صدور (אצילות, Atzilus)، یعنی عالم تیقون (עולם התקון, Olam HaTikkun)، هستند تا آب های مؤنث (מים נוקבין, mayin nukvin) را که از عالم عمل (עשיה, Asiyah) بالا می آیند پالایش کنند، تا چنان که پیش تر گفته شد، در عالم صدور گنجانده شوند.

וא"כ לע"ל [לעתיד לבוא] כשיושלם ויוגמר הבירור ויהי' [ויהיה] הכל עולם התקון ויתנוצץ ויתגלה גילוי אור חדש העליון מבחי' שמים חדשים וארץ חדשה סד"א [סלקא דעתך אמינא] שלא יהי' [יהיה] עליי' [עלייה] עוד להתורה ומצות. רק ישארו בעולם האצי'.

پس، در روزگار آینده، هنگامی که پالایش به پایان رسد و کاملاً انجام پذیرد، و همه چیز عالم تیقون شود، و ظهور نور تازه برین، از مرتبه «آسمان های نو و زمین نو»، بدرخشد و آشکار گردد، شاید چنین می پنداشتند که دیگر تورا و **מצות** عروجی نخواهند داشت؛ [بلکه] فقط در عالم **אצילות** باقی خواهند ماند.

ולכן מבשר הנביא שבאמת לא כן הוא רק גם זרעכם ושמכם יעמוד שם.

ازاین‌رو، پیامبر مژده می‌دهد که در حقیقت چنین نیست؛ بلکه «نسل شما و نام شما» نیز آنجا «پایدار خواهند ماند».

**כי גם אחר שיושלמו כל הבירורים ויוכלו באצי' עוד זאת תהיה מעלה יתירה בעילוי אחר עילוי
שיתעלו גם בעולם העקודים:**

زیرا حتی پس از آنکه همه پالایش‌ها به پایان رسد و در عالم **אצילות** گنجانده شوند، باز هم برتری افزون دیگری خواهد بود؛
عروجی پس از عروج: اینکه آنها به عالم **העקודים** نیز بالا برده خواهند شد.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از [/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/3](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/3)

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک